

۲۰ درصد اساتید باهوش مصنوعی مقاله می نویسند

صفحه ۶



با وجود ثابت ماندن تولید، فروش خودروی داخلی نسبت به سال قبل ۱۰ درصد کم شده است

در انبارهای خودروسازان چه خبر است؟

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
مدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: **ایف ام**
روایت سال های جنگ

شماره مسلسل: ۲۸۸۸
دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲
۳۰۰ شماره
۱۱ مارس ۲۰۲۳
شماره ۴۱۰۰



وقایع **درمانگاه قم** بار دیگر نشان داد جامعه ایرانی استعداد ایزوله شدن افکار و قطبی سازی اجتماعی را دارد

ایتا و توپیتر نه!

ایران واقعی را دریابید

معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد ابعاد جدید سامانه «کاتب» را تشریح کرد

تحول در آموزش به توان هوش مصنوعی

۴، ۵

احتمال تحول واقعی با تغییرات در معاونت سیاسی صداوسیما چقدر است؟

خبر از گعده خارج نشد

۱۵

علیرضا بلیغ و محمد باقری در میزگرد «فرهیختگان» از نسبت سیاست و جامعه می گویند

جامعه ایرانی؛ سیاست زده یا سیاست زدایی شده

۱۲، ۱۳، ۱۴

نقدی بر ایده پایان دین در یک کتاب

صورت گرفته. اختصاص دادن یک باب به اندیشه های او دلالت بر اهمیت مطالعات و روش مولر در دین پژوهی داشته و امید می بریم در پرتو کوشش حاضر، اقبال به مطالعه آرای او (و نیز مطالعات اشگل در باب تاریخ تطبیقی) رونق گیرد. سه رهیافت عاطفه گرایی، انسان شناسی دین و تفسیرگرایانه در سه باب نهم تا یازدهم مورد توجه قرار گرفته است. در باب پایانی جامعه شناسی دین شش متفکر دوره معاصر و متأخر بررسی شدند. لومان، پرسیش از امکان بازگشت امر قدسی در دوره مدرن را طرح کرد. ملبتون بینگر بحران های روحی انسان معاصر و نقش دین در حل این بحران را بررسی نمود. گیدنز دین به مثابه نظام فرهنگی را مورد پژوهش قرار داد. ساخت اجتماعی و ساینیان مقدس محور تأملات بزرگ در باب دین را شکل می دهد. گیدنز جرات کرد اشتباهات متفکران در خوانش دین در دوره مدرنیته را گوشزد کرده و از تداوم حیات دین سخن به میان آورد. بکفورد، ایده زوال دین و آینده آن را عرضه کرد. در گفتار ششم، نوآندیشی دینی و فهم جدید از دین توسط متفکران اسلامی بررسی شد؛ گرچه در ظاهر این گفتار نسبت اندک تری با گفتارهای پیشین دارد اما نمی توان از کوشش ها و خطاهای متفکران اسلامی در پرسیش از دین در دوره جدید سخن نگفت. متاسفانه در گرایش هایی همچون جامعه شناسی دین، فلسفه دین، مطالعات تطبیقی دین (محققان در پژوهش های تطبیقی تنها به ادیان شرقی مانند هندوئیسم یا بودیسم و اکنون عمدتاً به دن بودیسم بسنده کردند) و پدیدارشناسی دین یا به نگرش ها و خوانش های متفکران اسلامی توجهی نشده یا بسیار اندک مورد التفات قرار گرفته. در این گفتار تحولات فکری و تلاش های نوآندیشان اسلامی در ۲۰۰ سال اخیر و نوع بازخوانش آنها از دین بررسی شده و اشتباهات فهم ایدئولوژیک از دین با نگاهی انتقادی تبیین گردیده است.

در گفتار پایانی کتاب حاضر، آینده دین از منظری متفاوت بحث شده است. شاید بتوان این گفتار را نوعی اقتراح یا برساختن یک ایده در باب چگونگی حضور دین در آینده به شمار آورد. مهم ترین پرسش در این گفتار، امکان حضور دین متأفیزیکی یا سنتی در حیات آینده بشری و نقدهای صورت گرفته بر آن است. فرض اصلی کتاب، تداوم دین و نقش یگانه آن در حیات انسانی است، لیکن پرسش احتمالی به بی شکلی با صورت متعین آن بازمی گردد. دین برای بقا و تداوم باید به هم سخنی با انسان و نیازهای بنیادین او روی بیاورد. اگر جهان آینده را با سیطره تفکر ماوروسی یا شکلی از آن بدانیم، در آن صورت دین چگونه تداوم یافته و چه هویت و نقشی خواهد داشت؟ حقیقت آن است که به رغم تمامی پرسش ها و احتمالات، دین آینده، انسانی تر و اخلاقی تر و متواضعانه تر خواهد بود. ایده محوری اثر حاضر این است که گوهر دین، پایان ناپذیر، قیاس ناپذیر و جایگزین ناپذیر است.

نویسندگان در پایان اظهار امیدواری می کنند دو مجلد دین و اخلاق و دین و فرهنگ با منظری خاص و به رغم دشواری ها در پژوهش، در زمان مناسب تدوین و منتشر شود. هر دو موضوع، استعداد مطالعه تطبیقی را داشته و در آن امکان پژوهشی مقایسه ای میان سنت اسلامی و غربی وجود دارد. دیر زمانی است که در میزانی گسترده آثار نویسندگان غربی در حوزه اخلاق ترجمه شده و نشر یافته اما اندک مطالعه ای در اخلاق در حوزه اسلامی صورت نمی گیرد. به نظر می رسد کوشش فیلسوفان و متفکران اسلامی در باب اخلاقی به نسیان سپرده شده و محققان و دانشجویان بر این گمان رفته اند که سنت اسلامی اساساً فاقد دستگاه اخلاقی است. وضع پژوهش ها در حوزه فرهنگ و دین نیز چندان خرسندکننده نبوده و امروزه کوشش می شود تأملات در باب فرهنگ را از سنت غربی وام گیریم، چنین وضعیتی حیرت انگیز، پرسش برانگیز و تأسّف بار است و متفکران و محققان باید التفاتی شایسته به شرایط کنونی و عدم اهتمام ما به حوزه اخلاق و فرهنگ داشته باشند.

می خواهند در دفترهای دیگر نسبت دین و اخلاق و نیز دین و جامعه و فرهنگ را مورد پژوهش قرار دهند.

کتاب «دین پژوهی و آینده دین» در هفت گفتار متفاوت و با مسائل و موضوعاتی متمایز و متنوع فراهم آمده که بدون تأمل درخور، نسبت شان عیان نخواهد شد. پس از پیشگفتاری در تبیین و نقد ایده پایان دین و شرح اهمیت و جایگاه دین پژوهی، در گفتار نخست، تصویرهای جدید از دین مورد بررسی قرار گرفت. نگرش ها و فهم های گوناگون از دین و نیز تمایز بنیادین میان فربگی دینداری و بی فربگی دین بررسی شده و نویسندگان متذکر شدند حقیقت دین با دینداری متفاوت است و نباید دین پژوهی را منحصر بر رونق دینداری استوار کرد. جهان های معنی، سرشت و پویا و انتظارات بشر از دین سه پرسش مهم در گفتار دوم محسوب می شود. جهان های دینداران نه قابل فروکاستن به یکدیگر است و نه احتمال اندراج دارد. پرسش از معنای دین، همچنان اساسی ترین و مناقشه آمیزترین پرسش ها است. انسجام بخشی، ایجاد همبستگی جمعی، نقش و تأثیرات اخلاقی، کاستن درد و رنج بشر و معنابخشی را می توان مهم ترین انتظارات از دین برشمرد. مفهوم خدا و درک از آن، بنیان دین پژوهی است و راز تنوع دین در تصویرهای گوناگون دینداران از خداست که در گفتار سوم تبیین گردید. در گفتار چهارم، پدیدارشناسی دین به نحو مبسوط و براساس تکنیک پدیدارشناسی دوره نخست و دوم و نیز پدیدارشناسی سنتی و از خود بیگانگی، آینده دین و بی شکلی و دین و کنش اجتماعی در باب دانمارکی) با پدیدارشناسی دوره جدید (سنت آلمانی) تمایز اساسی دارد اما در پیوند با یکدیگر قابل فهم و بازتفسیر است. التفات به ذات دین، جدا شدن از وجه تاریخی دین پژوهی، توجه به سایر ادیان، اهتمام به ساحت های گوناگون دین و مخالفت با تقلیل گرایی از مشخصه ها و نتایج پدیدارشناسی دین به شمار می آید. پدیدارشناسی تطبیقی، پدیدارشناسی سنتی و پویا، تجربه معنوی ادیان، شرق و غرب و بسط قلمرو مطالعات دینی محورهای اساسی محسوب می شوند که در این گفتار مورد پژوهش قرار گرفت.

برسامدترین اندیشه پایان و نیز بازگشت دین در درون جامعه شناسی دین طرح شده است؛ گرچه نویسندگان در کتاب حاضر این رویکرد را به نوعی منظری تقلیل گرایانه برشمردند اما شاید بتوان گفت سرزنده ترین جریان دین پژوهی محسوب شده و به رغم نگاه خردگرایانه، قلمرویی مهم و کشمکش زا در مطالعات دینی است.

در گفتار پنجم، ۱۲ باب جریان های اساسی دین پژوهی را مورد پژوهش قرار دادیم. پس از تبیین خاستگاه تاریخی - نظری جامعه شناسی دین و رهیافت های گوناگون به دین، به مثابه مدخل، رویکردهای اساسی جامعه شناسی دین، بررسی و تحلیل و نقد گردید. در باب سوم، نظریه منشأ گرایانه، مراحل سه گانه دین و خاستگاه تکوین، پندار پایان دوره دین ورزی، دین به مثابه امر اجتماعی و کارکردهای دین بررسی شد. دین و از خود بیگانگی، آینده دین و بی شکلی و دین و کنش اجتماعی در باب چهارم و ذیل نظریه های کارکردگرایانه تبیین گردید. در باب پنجم، معنابخشی و عقلانی سازی دین و تفسیر تفهمی آن مورد توجه قرار گرفت. دیدگاه تکامل گرایی ایده پرمناقشه محسوب می شود که تالیپور و فریزر طرح کرده اند که در باب ششم بحث و نقد گردید. در ۲۰۰ سال اخیر پس از اشاره ها و دلالت های اشلایرماخر بر اهمیت ایمان درونی و فردی و تأکیداتی یکریگاردی بر شورمندی در دین ورزی، رهیافت روانشناختی گروانه جیمز و پیروانش و نیز آرای فروید و یونگ، محل نزاع های بسیاری بوده است. تجربه دینی و تنوع آن در اندیشه جیمز متمایز از نگره پنداره محورانه فروید در باب دین است. قلمروهای سه گانه، آینده یک پندار، کهن الگوها و دین در باب هفتم مورد بررسی انتقادی قرار گرفت.

تاکنون از مطالعات تطبیقی دین و نقش خاص ماکس مولر پژوهش های اندکی

و اهتمام ها، این منظر را باید ساحت نامکشف دین تلقی کرد. بی تردید دین امکان هایی همچون پرستش، ایمان، آیین ها، شریعت، معنویت، نظامات جمعی، اخلاق و توجه به ماورا و امر متعالی دارد. تأمل در این باب سبب می شود تا به کارکردی بدیع درباره دین ببندیشیم و با اعتنا به وجه عملی دین، به حیث انسانی و اخلاقی آن بازگردیم. این نوع واکاوی در دین، هم روایتی زنداگاهانه از خوانش های پیشین از دین و نقد آنهاست و هم بازتعریفی از آن و بازخوانشی از گوهر دین است. ناکامیایی تفسیر متصلبانه و متأفیزیکی فراوایتی از دین سبب شده تا بشر به حیث اخلاقی تر دین گرایش پیدا کند و درباره امکان های جدید و ساحت های انسانی تر دین تأمل کرده و از آن واگشایی متفاوتی به دست دهد. اکنون با رسیدن به فهم اخلاقی و انضمامی از دین می توانیم دیدگاهی گشوده تر درباره دین داشته و معتقد شویم که زندگی، امید، عشق به حیات و انسان ها می توانند در سایه دین شکوفا شوند. دین همچنان امری بنیادین است و حیات معنوی انسان با آن پیوند خورده است. دینداری راهی یگانه برای معنابخشی به انسان و زندگی او محسوب می شود. مطالعه و سنجنش رویکردهای گوناگون دین پژوهی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از حیث روش شناسانه، کشمکش اصلی در فهم بنیان های دین را می توان میان چهار رویکرد تاریخی انگاری، پدیدارشناسی، عقلی گروی یا دلیل انگاری و کارکردگرایی انضمامی مورد جست وجو قرار داد. دیدگاه تاریخی بر نقش دین در برساختن نهادها و منظر تکاملی دین تأکید داشته و مطالعه تاریخ دیندار و را اصل تلقی می کند، درحالی که منظر پدیدارشناسی، دین را دارای ذات حقیقی تلقی کرده که تنها با رجوع به آن سرشت می توان دست به فهم دین زد. رویکرد فهم تاریخی دین به رغم اهمیت دادن به شرایط و وضعیت های دینداری، فهمی ناقص و رنجور از دین به دست داده و به سبب غفلت از بنیادین بودن پدیدار دینی، به فرآیند زمانی دین و تاریخ دینداران توجه نشان داده است. در منظر تاریخی گری، جست وجوی خاستگاه دین جای پرسش پراهمیت از سرشت گوهر دین را گرفت و به جای پرسش از پدیدار دین از تاریخ دین خواهیم پرسید. فروکاستن دین به امری صرفاً تاریخی نیز نمی تواند زمینه ساز مطالعه ای فراگیر و جامع در باب دین شود. به همین سبب، دین پژوهی بنیادین و صحیح آن است که با ذات دین مواجهه پیدا کرده و بتوان آن را به همان نحوی فهم کرد که خود را در تجربه اساسی انسان آشکار می سازد. حالات و تجربه های مذهبی انسان ها در واقع پیژاک و تعبیری از این امر مقدس است. نمی توان بنیان و حقیقت دین و امر مقدس را به ساختارها و تاریخ فروکاست.

منظر کارکردگرایی در میانه رویکرد تاریخی و پدیدارشناسانه به دین، ظهور کرده است. کارکردگرایی نه تنها در مطالعات دینی امروز اهمیت پیدا کرده، بلکه در حال تبدیل شدن به الگویی برای دین پژوهی در آینده است. این رویکرد در التفات به سایر دین و نقش فهم دین در برساختن نظام های اخلاقی و ارزشی و نیز نقش بی بدیل آن در حیات بشری و فرهنگ و اجتماع انسانی، رویکردی بدیع و بنیادین محسوب می شود. می توان مدعی شد که کشمکش این سه رهیافت در دین پژوهی امروزه به یکی از مهم ترین مناقشات فکری بدل شده و در مطالعات آینده دین اهمیت دارد. شاید بتوان گفت که دو دیدگاه نخست در درون دین پژوهی سنتی قرار می گیرد اما کارکردگرایی را می توان روشی نو در مطالعات دین برشمرد. کارکردگرایی بر ایده تکاملی دین و فهم ذاتی و نقشه و نیز نسبت انسان با امر مقدس تأکید نمی کند، بلکه به اهمیت جایگاه و نقش عینی دین در زندگی بشری التفات می ورزد. در این رویکرد پرسش اساسی این است که دین چه نقشی در زندگی انسانی دارد و کدام معضل اجتماعی یا فرهنگی و اخلاقی را می تواند حل کند؟ کتاب حاضر، مرحله نخست از جستارها در حوزه مطالعات دین نویسندگان محسوب شده و آنها

کتاب «دین پژوهی و آینده دین» جدیدترین اثر قاسم پورحسن، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و زهرا حاجی شاه کرم به همت انتشارات صراط منتشر شد. در ادامه مروری خواهیم داشت بر مباحث این کتاب.

پایان دین، یک پندار است. دین پایان ناپذیر است. دین سرچشمه زندگی و معنا و دینداری، هم سخنی با خداست. با مرگ دین، همه ارزش ها فرومی ریزد و انسان بی سکونت خواهد شد. بحران در درون ساختار دین پژوهی ها بوده و ریشه در رنجوری رهیافت ها و نیز تلاطم های ادیان دارد. چرا ایده پایان دین رویکردها و نظریه های مطالعاتی، چنین سیطره ای پیدا کرده و منظر بازگشت دین و تداوم آن نوعی تلقی خوش بینانه و حتی ساده انگارانه قلمداد گردید؟ نویسندگان معتقدند به نظر می رسد فهم درون انگارانه (صرف ایمان شورمندانه) دین از همان کاستی برخوردار است که رویکرد بیرون انگارانه (روش افراطی علمی) با آن رویه رو است. مطالعه دین در محدوده و حصر جغرافیا و تاریخ و اندراج دین در دینداری به همان اندازه تحریف و بی بنیاد است که پژوهشی برکنار از شرایط و واقعیت های اجتماعی و فرهنگی و بدون اعتنا به نسبت دین با انسان، ناکارآمد می باشد. پرسش از سرشت و آینده دین، پرسشی ضروری، مناقشه برانگیز و بنیادین است. ایده پایان و بازگشت دین دو رهیافتی هستند که بر مطالعات حوزه دین سایه افکنده است. گمان ها و حدس ها در دین پژوهی بر پژوهش و تبیین دقیق حضور و تداوم دین یا زوال و پایان آن پیشی گرفته است. تردیدی نیست که معنای دین دچار دگرگونی هایی اساسی و ژرف شده به نحوی که ایده پایان دین به رویکردی مسلط در مطالعات دین تبدیل شده است. گرچه گسترش علم و ظهور مدرنیته و عقلانیت، تأثیری بنیادین در چرخش متفکران به سوی ایده پایان دین داشته است، پژوهشگران در اثر حاضر نشان دادند که ناکارآمدی ادیان و نزاع های درونی شان و ظهور جریان های ایدئولوژیک و رادیکال و عدم اعتنا به انسان و نیز ناکامیایی آنها در شکل دادن زستی مبتنی بر صلح و عشق و محبت، تأثیری نیرومندتر در شکل گیری وضعیت کنونی دین داشته است. به همین سبب باید پذیرفت که مهم ترین کشمکش در دوره اخیر در باب دین، به امکان ادامه حیات دین و نقش آن در حیات بشری بازمی گردد. پیشگویی و حتی پیش بینی به رغم جذاب بودن، نوعی احتمال و صرف گمان است و بر بنیادی استوار نیست. افسون زدایی، جایگزینی علم، آفیون بودن، نظریه حذف یا زوال و ایده پایان را می توان نمونه هایی از پیش بینی ها در باب آینده دین برشمرد. اشکال اساسی این نظریه ها عدم فهم یا فهم نادرست از ذات دین می باشد. باید پذیرفت که هیچ کس قادر به پیشگویی درباره آینده نیست. از همین رو نویسندگان در کتاب حاضر درصدد نیستند تا وضعیت دین در آینده را براساس گمان ها پیشگویی کنند. با این وصف، دین همچون تمامی پدیده ها، قابل فهم بوده و می توان آینده آن را براساس مطالعاتی که از شرایط و موقعیت کنونی آن صورت می گیرد، مورد توجه و تبیین قرار داد. فرض اساسی آنها این است که معنای دین و مفهوم خدا و نیز دریافت انسان ها از دین، در ۲۰۰ سال اخیر از نظر معنا دچار تحول و دگرگونی های بسیار شده و دلالت های متفاوتی از آن ظهور کرده و بنیان های متأفیزیکی دین مورد پرسش و خدشه قرار گرفته و چرخش های مهمی در حوزه مطالعات دین پدیدار شده است. هنوز دین، زنده است و نقشی بنیادین در زیست انسان ها دارد. دین به رغم تمامی پرسش ها و چالش ها، چرخش ها، اساسی ترین جنبه ایمانی و معنوی حیات بشری و آرامش بخشی به دغدغه های بی پایان محسوب می شود و از آن حیث که نسبتی با زندگی و درد و رنج انسان ها دارد، انضمامی ترین نقش را در زندگی بشر دارد. دین هم قدسی و الوهی است و هم انسانی و تاریخی است. به رغم تمامی تبعات